

## معرفیهای اجمالی

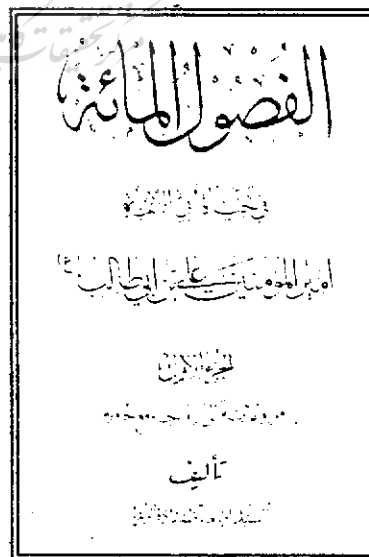
در طول تاریخ، صدها پژوهنده، نویسنده و شاعر را با اندیشه‌ها و مسلک‌های گونه‌گون مجذوب ساخته و بدین سان آثار فراوانی از منظرهای گوناگون درباره آن بزرگوار به قلم آمده است.

کتابی که اینک مورد گفتگو ست، یکی از آخرین آثار به قلم آمده در این زمینه است. مؤلف در این کتاب کوشیده است تا در ضمن صد فصل، اخبار و آثار مربوط به زندگانی علی-ع- را گزارش کند و در حدّ توان، گوشه‌هایی از حیات علمی، سیاسی، فکری و اخلاقی آن بزرگوار را بنمایاند.

جلد اول، بیست و سه فصل است که در ضمن آن از ولادت علی-ع، نسب، کنیه و القاب آن بزرگوار سخن رفته و نگاهی گذرا به شخصیت و زندگانی حضرت ابوطالب و فاطمه بنت اسد، افکنده شده است.

در فصل پنجم، از جایگاه علی-ع- در نزد پیامبر بحث شده و در فصل ششم از ایمان علی به پیامبر و مطالب مربوط به آن گفتگو شده است. در فصول بعدی با عناوین علی اولین کسی که با پیامبر نماز گزارد، علی و روز انذار، علی و عقد اخوت با پیامبر، علی در لیلۃ المبعیت، علی و ازدواج با فاطمه، به ابعاد دیگری از شخصیت والای امام پرداخته شده است. آنگاه چهره‌نمایی شیربیشه‌های نبرد است در جنگ‌های بدر، احد و دیگر جنگ‌های پیامبر. سپس گزارشی مستند و خواندنی از تاریخ جنگ‌های علی-ع- با قاسطین و مارقین و ناکثین آمده است. در جلد دوم با عنوان علی فی القرآن و السنّة، به تفسیر و توضیح آیات نازل شده درباره علی-ع- به تفصیل پرداخته شده و از احادیث و آثاری که درباره آن بزرگوار وارد شده، بحث به میان آمده است؛ مانند آیه تطهیر، آیه مباهله آیه مودّت، آیه انفاق، سوره هل اتی، حدیث ثقلین، حدیث سدّ ابواب، حدیث منزلت، حدیث

### الفصول المائة فی حیاة اَبی الأئمة امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب (ع)



سید اصغر ناظم زاده قمی. (قم، انتشارات اهل البیت، ۱۴۱۲).  
۵۸۶ + ۶۱۶ + ۴۱۰  
ص ۳۳۰، وزیری.

در میان آثار مدون فرهنگ اسلامی، شرح حالنکارها از جمله کهنترین آثار به شمار می‌رود. به لحاظ گستردگی نیز حجم عظیمی از آثار مدون را

کتابها و رساله‌های شرح حالنکاری شکل می‌دهد. در این میان، کتابها، رساله‌ها و مقاله‌های نگاشته درباره علی-ع- از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. شخصیت عظیم آن بزرگوار

## مصنفات فارسی

نوشته 'علاءالدوله سمنانی به اهتمام نجیب مایل هروی. (تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹).

در سالهای اخیر بعضی از آثار مهم علاءالدوله سمنانی (۷۳۶/۶۵۹ق) چاپ و منتشر شده است که هم از نظر موضوع و هم از جهت نثر فارسی اهمیت دارد. با انتشار بعضی رسالات کوچک علاءالدوله در این مجموعه، خواننده فارسی زبان با این عارف معتدل اجتماعی بیشتر آشنا می شود. آنچه در مجموعه مورد بحث جمع و تدوین شده، به شرح زیر است:

سرّ سماع (۱-۶)، آداب السفره (۷-۱۲)، ما لا بد منه فی الدین (۱۲-۱۲۵)، سرّ بال البال لذوی الحال (۱۲۷-۱۵۱)، فرجة العاملین و فرجة الكاملین (۱۵۲-۱۷۵)، شرح حدیث ارواح المؤمنین فی طیر خضر (۱۷۷-۱۸۰)، بیان الاحسان لاهل العرفان (۱۸۱-۲۴۹)، فتح المبین لاهل الیقین (۲۵۱-۲۷۵)، سلاة العاشقین و سکتة المشاقین (۲۷۹-۳۰۰)، نوریه (۳۰۱-۳۱۱)، تذکرة المشایخ (۳۱۲-۳۲۲)، شطرنجیه (۳۲۲-۳۲۸).

گذشته از اینها، چند مکتوب علاءالدوله به متصوفه معاصر وی نیز در این مجموعه آمده که مانند همه این رسالات، هم از لحاظ نظری، هم از جهت آگاهی بر وضعیت خانقاهها و روابط درویشان در قرن هشتم ارزشمند است؛ همچنان که حکایت سلوک علاءالدوله به قلم خودش نیز دلکش است. (ص ۲۵۲-۲۵۶ و نیز مقدمه مصحح از صفحه نه به بعد).

در این مجموعه از آثار علاءالدوله، مانند دیگر آثار او، با جوّ فکری قرن هفتم، هشتم آشنا می شویم. مثلاً «تناسخیان» در آن ایام در ایران بوده اند و علاءالدوله با بعضیشان بحث کرده است. (ص ۲۲۴-۱۳۶).

همچنین است وجود «بخشیان بودائی» که در اواخر قرن هفتم در ایران تبلیغ می کرده اند. (چهل مجلس، ص ۸۱-۸۴ و ۱۳۴-۱۳۶).

پیروان عامر (که مصحح او را نشناخته کیست) نیز در آن زمان پیدا شدند که مذهبی در آمیخته از عقلیات و نقلیات

غیر، حدیث «انا مدینه العلم و علی بابها» و حدیث «علی مع الحق» و... در جلد سوّم و چهارم از مناقب و فضائل آن بزرگوار گفتگو شده است. در این دو جلد، به تفصیل از شخصیت علی-ع- در گفتار پیامبر سخن رفته و جایگاه بلندش در اسلام نموده شده و اخبار مربوط به خلق و خوی آن بزرگوار، گزارش شده است. برخی از عناوین این دو جلد از این قرار است: علی، خلیفه پیامبر و وصی و وارث او؛ برخی از القاب علی-ع- در زمان پیامبر؛ علی، وارث دانش پیامبران؛ پیروان علی، پیروزمندانند، علی، میزان عمل است. در ادامه این فصول، از هجرت، جهاد، شوق شهادت، شجاعت، قدرت، ایمان و استواری و صراحت، اخلاص، زهد، خشوع در نماز، صبر در دشواریها و شکیبایی در سختیها، علم، سخاوت، انفاق و تواضع علی-ع- بحث شده است. در جلد پنجم به مسأله مهم و عظیم علی و امامت امت، پرداخته شده است. این مجلد از اهمیت خاصی برخوردار است. در لابلای صفحات این جلد، حقایق ارجمند و تنبّه آفرینی گزارش شده است. در فصول مختلف این مجلد از امامت، سیاست، عدالت و چگونگی نگرش آن حضرت به قانون و اجرای آن، سیره علوی در بیت المال، برخورد آن حضرت با معارضان حکومت، سیره امام در برخورد با ذمیان و غلاة و مخالفان از کارگزارانش، با تاجران و صاحبان حرفه ها، سیره علی-ع- در امر به معروف و نهی از منکر، یاری مظلومان و ستیز با ستمگران، و علی و قضاوت، بحث شده است و بخشهایی از داوری آن بزرگوار در دوران خلفا، گزارش شده است. و بالاخره مظلومیت علی و شهادت آن بزرگوار، آخرین فصلهای کتاب است.

در آغاز تمام فصول کتاب، فضای بحث تبیین شده است و در ذیل بسیاری از روایات، توضیحات سودمندی افزوده شده است. ترتیب و تنظیم کتاب نیز دقیق و ستودنی است. حروفچینی، چاپ و صحافی آن نیز نمونه کاری خوب، تمیز و استوار است. مجموعه آثار و اخبار و مطالب عرضه شده در مجلدات پنجگانه این کتاب، بسیار گسترده و عظیم است و مطمئناً کاوشگران سیره علوی را بهره وافر خواهد رساند.

محمدعلی مهدوی راد

برساخته بودند. توضیحاً می‌گوییم بنیانگذار این نطه، عامربن عامر بصری است از پیروان علی بن فخر اردستانی- که به سال ۶۹۶ قمری دعوی کرد که مسیح است. عامر، قصیده تائیه‌ای به تقلید از ابن فارض (متوفی ۶۲۲) دارد و یک شیعی غالی و صوفی وحدت وجودی و دارای عقایدی شبیه نصیرییه بوده است. (رک: تشیع و تصوف، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۹. ص ۱۲۶ به بعد).

در آن روزگار، بازار دعاری صوفیانه - متمدیانه داغ بود و علاءالدوله اشاره به همین حالت دارد آنجا که می‌گوید: «... مدتی مدید است که شیطان طلاب را به خاتم اولیائی و مهدئی سرگردان کرده است». (ص ۲۳۵). باید دانست که اندیشه ولایت در عرفان، بویژه در کتب ابن عربی و شارحان او، در متن جامعه‌ای که در آرزوی نجات دهنده‌ای می‌سوخت، چنان فضای مساعدی پدید آورده بود که آن همه درویش متمدی در ایران پیدا شد. حتی خود علاءالدوله مدعی بود با مهدی دوازده امامیان- ع- ملاقات کرده است. (رت: تحفة الاخیار. علامه صدیقه قلی، ص ۱۶۳).

از همین مجموعه معلوم می‌شود که گسترش تشیع نیز در ایران به آرامی پیش می‌رفته است. مصنف بر دوستی سادات تأکید اکید دارد و حدیث «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَى مَوْلَاهُ» را می‌آورد. (۲۵۰). البته تأکید متصوفه پیش از صفویه بر ائمه اثنا عشر تا امام رضا- ع- است، نه بعد از آن حضرت. (تذکره المشایخ، ص ۲۲۰).

سماع در عصر علاءالدوله جنبه شهوانی و خراباتی نیز داشته و در اشعاری که می‌خوانده‌اند، بر عالمان تعریض می‌رانده‌اند. (ص ۱۱۵-۱۱۶). علاءالدوله با این گونه سماع و هر نوع تندروی مخالف است. وی که در جوانی از دیوانیان بوده و از فساد اداری ایلخانیان خبر داشته، دلسوزانه از ستمهایی که حکام بر مردم روا می‌داشته‌اند، یاد کرده است: «... در این مدت که به نوشتن این رساله [بیان الاحسان] مشغول شده‌ام پیوسته مشوش خاطر بوده‌ام و دلم مضطرب از آنکه هر ساعت یکی در آمدی که فلان مسلمان را شکنجه می‌کنند، فلان را چوب می‌زنند،

فلان را مصلوب می‌کنند ... از اول رجب مردم در تفرقه بوده‌اند فاماً تا رمضان درآمد به نهایت رسیده تا حدی که بی مبالغت هزار آدمی بوده باشد که به شب در خانه خود افطار نتوانسته باشد کردن». (ص ۲۴۸).

تلاش مصحح در انتشار این مجموعه و دیگر متونی که تاکنون عرضه کرده، ستودنی است؛ زیرا دست کم متن کهنی در دسترس محققان قرار می‌گیرد، هر چند نواقصی داشته باشد.

در پایان اشاره به چند لغزش نیز خالی از فایده نیست؛ در صفحه ۲۴۹، سطر اول «املیت» غلط و «ابلیت» درست است. در صفحه ۱۱۶، سطر ۱۹ به جای «مردان»، «امردان» صحیح است. در صفحه ۲۹۸، سطر ۱۹ عبارت به صورت زیر صحیح می‌باشد: «به غیر ذکر، لب ناچنیانیدن».

در پایان یادآوری این نکته ضروری است که از قرار مسموع، بعضی از رسالات این مجموعه قبلاً در ترکیه چاپ شده است. خوب بود مصحح به این نکته اشاره می‌کردند و هرگاه تفاوت‌هایی دارد، یادآوری می‌نمودند.

علیرضا ذکاوتی قراگزلو

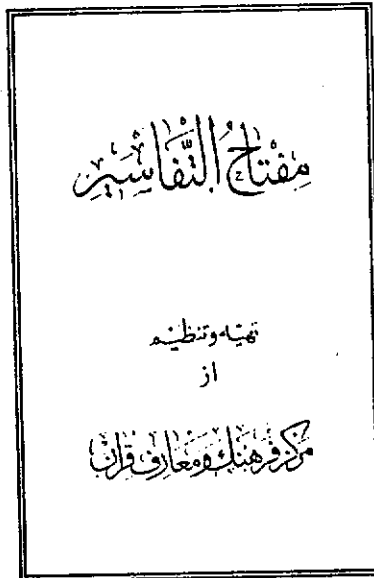
### مفتاح التفاسیر

تدوین مرکز فرهنگ و معارف قرآن

(قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۰). ۹۲۰ ص، رحلی.

مجموعه‌های تفسیری که حاصل تلاش دهها تن از متفکران، قرآن پژوهان و اندیشوران فرهنگ اسلامی است، آکنده از معارف الهی و حقایق

اسلامی است و برای بازشناخت دقیق مکتب و آشنایی



گسترده با آیات الهی، مراجعه بدانها ضروری است. بسیاری از این تفاسیر از فهرست دقیق و سرصفحه‌های راهگشا تهی هستند و جستجوگران در مراجعه بدانها با مشکلات فراوانی روبرویند. مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم، وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، اکنون سالهاست بر پایه یادداشت‌های هوشمندانه متفکر ژرفنگر، جناب هاشمی رفسنجانی، پژوهش‌های سودمندی را بی‌نهاده است. این مرکز برای سهل‌الوصول ساختن مطالب تفاسیر، راهنمایی به عنوان مفتاح التفاسیر تدوین کرده که نشانگر جایهای آیات قرآن در پنجاه و پنج تفسیر مشهور فریقین است. بیشتر در این زمینه، کشف الآيات عن القرآن الکریم و التفاسیر، تألیف سید حسن معصومی لاری، منتشر شده بود که در آن جایهای آیات قرآن در هشت تفسیر آمده است که اکنون با دگرگونی چاپهای آن تفاسیر، به هیچ روی کارآمد نیست. راهنمای تفاسیر به کوشش عبدالرحیم اعتمادی نیز که به سال ۱۳۵۲ شمسی در قم نشر یافت، تنها نشانه‌های سوره‌ها را در پنجاه تفسیر دربر دارد.

در این راهنما، آیات قرآن در پنجاه و پنج تفسیر نشان داده شده است. ملاک گزینش تفاسیر بدین سان بوده است:

۱. اعتبار تفسیر در دیدگاه عالمان فریقین. در این گزینش سعی شده است تفاسیر مختلف از مشرب‌های گونه‌گون (روایی، کلامی، فلسفی، عرفانی، ادبی و...) برگزیده شود و از کهنترین آنها تا جدیدترینشان، به زبانهای فارسی و عربی، مورد نظر بوده است.

۲. کامل بودن تفسیر؛ یعنی اشمال آن بر یک دوره کامل آیات قرآن. البته اگر تفسیری مهم و متداول بوده است، گزینش شده است؛ مانند المنار.

۳. زیادی مجلدات که مراجعه بدان برای محققان دشوار می‌نموده است. تفسیر علی بن ابراهیم قمی با اینکه مجلدات آن کم است، اما به خاطر دشواریابی آیات، در این اثر آمده است.

از میان چاپهای متعدد هر تفسیر، چاپی که متداولتر بوده، گزینش شده است و اگر تفسیری دو چاپ متداول داشته، هر دو فهرست شده و اگر چاپهای متعدد داشته، دو

چاپ متداولتر برگزیده شده است؛ مانند فی ظلال القرآن و مجمع البیان.

برخی از تفاسیر قهرست شده از این قرار است: جامع البیان فی تفسیر القرآن از طبری، التبیان فی تفسیر القرآن از شیخ طوسی، در المنثور از عبدالرحمن سیوطی، مجمع البیان و جوامع الجامع از طبرسی، روح المعانی آلوسی، الجوهر الثمین، تفسیر شبر، الجامع لأحكام القرآن از قرطبی، الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم از طنطاوی، التفسیر الکبیر از فخر رازی، المیزان از علامه طباطبایی، التفسیر القرآنی للقرآن از عبدالکریم خطیب، محاسن التاویل از جمال الدین قاسمی، تفسیر الکاشف از محمدجواد مغنیه.

کتاب حاضر تنظیمی دقیق و نیکو یافته و مطمئناً به عنوان فهرستی کارآمد و سودمند، محققان و قرآن پژوهان را یاری خواهد رساند. سعی تدوین کنندگان آن مشکور باد.

محمدعلی مهدوی راد

### دیوان فیاض لاهیجی

به اهتمام و تصحیح ابوالحسن پریشانزاده. (تهران، انتشارات عملی و فرهنگی، ۱۳۶۹).

ملا عبدالرزاق لاهیجی (متوفی ۱۰۷۲) از علمای مشهور معقول و منقول در عصر صفوی است که شاگرد و داماد ملا صدرا بوده است و در چند شعر او را ستوده است. (ص ۱۰۵ و ۱۱۲ و ۴۲۱) داماد دیگر ملاصدرا، ملامحسن فیض است که او نیز عالم معقول و منقول بوده و شعر نیز می‌سروده است. فیاض، کتابهایی در کلام و حکمت دارد (شرح تجرید، گوهر مراد، سرمایه ایمان) با دیوانی در حدود ده هزار بیت و عمدتاً شامل غزل و قصیده. قصایدش ضعیف است و غزلش متوسط، اما بر روی هم شعرش خواندنی است و بین علمای شاعر (مانند شیخ بهائی، میرزا علیرضا تجلی، ملامحسن فیض، میرزا حبیب خراسانی، حاج ملا هادی سبزواری ... و نیز میرداماد و ملاصدرا) مقام ممتازی دارد. او در زمان خود به شاعری نامی داشته چنانکه نصرآبادی وی را به همین عنوان و به خوش مشربی و لطف طبع ستوده است و ابیات نابی از او برگزیده (تذکره، ص ۱۵۶).

فیاض با صائب (متوفی ۱۰۸۱) معاصر و رفیق بوده، چنانکه گوید:

خدا روزی کند فیاض چندی صحبت صائب  
 که بستانیم از هم داد ایام جدائی را  
 می دانیم که صائب مردی متفکر و اهل مطالعه بوده  
 است؛ چنانکه در اشعارش مضامین حکمت اندیشانه به چشم  
 می خورد. مثلاً بیت زیر احتمالاً اشاره به حرکت جوهریه دارد  
 (که بر اثر معاشرت امثال عبدالرزاق با آن آشنا شد):

آرام نیست سلسله کائنات را  
 از ذره ذره در می توان شنید

به هر حال مراد این است که بگوییم ملا عبدالرزاق را  
 می توان استقلالاً به عنوان یک شاعر مورد بحث قرار داد. او  
 گذشته از صائب، به عرفی (متوفی ۹۹۹) که مورد توجه ملا  
 صدرا و شیخ بهائی، و شاعری متفکر بوده، نیز نظر دارد.  
 (دیوان، ص ۲۰ و ۶۷ و ۸۷) همچنین به طالب آملی (غزل  
 ۴۸).

شاعر ملا عبدالرزاق تاهیجی از تعبیرات خاص سبک  
 هندی خالی نیست: لای مست (غزل ۵۲) غالب شریکی (غزل  
 ۳۹) خورده و برده (غزل ۵۴۶) و کمان پُرکش کردن  
 (غزل ۵۳۰). گاهی کلامش ضعف تألیف و عیب دستوری  
 دارد (مثلاً غزل ۵، مصرع دوم بیت ۲ و ۴). اما بر روی هم،  
 نمکین و پر شور و حال است و از درک عوالم عرفانی خبر  
 می دهد و طبیعی است که چنین آدمی با همه اعتدال از بدگویی  
 قشریون در امان نمانده:

معاندان که سخن ناشنوده می گویند  
 نگفته می شنوند و نبوده می گویند

او به مرتبه ای رسیده که رسایل حکمت را مشق طفلان  
 می نامید (غزل ۲۷).

تصحیح دیوان بر اساس چند نسخه صورت گرفته که  
 می بایست در مورد هر شعری مشخص می شد در کدام  
 نسخه هست یا نیست. مصحح، توضیحاتی هم آورده است  
 (صفحه چهارده مقدمه).

غلطهای چاپی و غیرچاپی زیر به نظر آمد که خوب است  
 در نشر بعدی اصلاح گردد. در غزل ۱۵، کلمه «لاخ» غلط و

«داغ» صحیح است. در غزل ۳۴، «داغ» غلط و «طاق» صحیح  
 است. در غزل ۴۱، «کند» غلط و «کنی» صحیح است. در غزل  
 ۳۱۰، «بشکند» غلط و «نشکند» صحیح است. در غزل ۵۴۴،  
 «بدم» غلط و «بدم» صحیح است. در غزل ۵۵۲، «نام» غلط و  
 «نامه» صحیح است. در غزل ۶۴۰، «میرزا»، درست نیست و  
 طبق رسم آن زمان و به رعایت وزن باید «مرزا» خوانده  
 شود.

در صفحه ۲۷۵، قطعه ۲، کلمه «حناء» غلط و «حبذا»  
 صحیح است.

با آرزوی توفیق برای ناشر و مصحح با سه بیت مناسب  
 گفتار را به پایان می بریم:

نمود از پرده رخ یارم نمی خواهم دلایل را  
 بیا از پیش من ای گریه بردار این رسایل را

\*\*\*

الهی فیض مشرب ده که دلگیرم ز مذهبها  
 نمی دانم چه می خوانند این طفلان به مکتبها  
 فقیهان را نمی دانم، حکیمان هرزه می گویند  
 بیا و پرده یکسوکن که گردد کشف مطلبها

علیرضا نکاوینی قراکزلو

دلیل الآیات المفسرة و اسماء السور فی احادیث

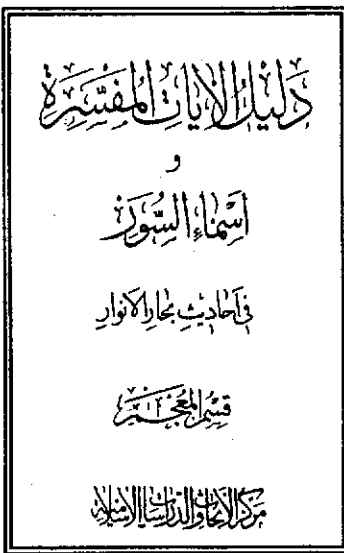
بحار الأنوار

قسم المعجم مرکز الأبحاث و الدراسات الإسلامية. (قم،

۱۴۱۲). ۳۰۴ ص،

وزیری.

در تفسیر آیات الهی،  
 بدون هیچگونه شبیهه ای  
 توان گفت که تفسیر  
 مأثور- اگر نقل آن ثابت و  
 معتمد باشد- مطمئنترین  
 و سالمترین شیوه  
 تفسیری است.  
 مجموعه های سودمند و  
 گرانقدری در مآثر



فرهنگ اسلامی توان یافت که مؤلفان بزرگوار آنها به گردآوری احادیث تفسیری همت گماشته‌اند و آفاق پژوهش و اندیشیدن درباره آیات الهی را گسترانده‌اند. تفسیر نورالثقلین از شیخ عبدالعلی حویزی، البرهان از سید هشام بحرانی و کنزالدقائق از میرزا محمد مشهدی، در این زمینه یادکردنی است.

بحار الأنوار، اثر جاویدان علامه مجلسی - که دریای موج خیزی است آمیخته به درهای ناب - در لابلای بابها و فصلهای خود، بسیاری از احادیث تفسیری را جای داده است که شایان توجه و قابل دقت است. در بحار الأنوار، افزون بر یادکرد آیات در آغاز بابها و فصلها - که آن را دقیقترین تفصیل آیات توان شمرد - و آوردن روایات تفسیری مربوط به آن آیات، روایات فراوانی توان یافت که در تبیین و تفسیر آیات قرآن است. یک مقایسه گذرا می‌تواند نشان دهد که روایات تفسیری پراکنده شده در صفحات زرین این کتاب، تا چه حدی گسترده‌تر از روایات تفاسیر نقلی است. مثلاً در ذیل آیه «مالک يوم الدين»، هشت روایت در نورالثقلین آمده است و در همین حدود در دو تفسیر دیگر آورده شده است. در حالی که روایات تفسیری این آیه در مجموع صد جلد بحار الأنوار، حدود سی روایت است که ده حدیث آن به طور کلی با روایات تفاسیر یادشده متفاوت است و بقیه نیز در اسناد و متن تفاوتی دارد.

آنچه اینک نشر یافته و مورد گفتگوست، فهرست دقیق و کارآمد آیاتی است که در ضمن احادیث بحار الأنوار تفسیر شده است. در این فهرست، تمام آیاتی که درباره آنها تفسیر و تأویلی از ائمه معصومین - ع - رسیده و یا قرائت خاصی درباره آنها نقل شده و یا تفسیر آنها را علامه مجلسی از تفسیر منسوب به امام حسن عسکری - ع - و تفسیر قمی و تفسیر فرات کوفی نقل کرده، فهرست شده است. و نیز چنین است تمام آیاتی را که امامان به موارد خاصی تطبیق داده‌اند و یا شأن نزول آنها را یاد نموده‌اند و یا اینکه درباره یکی از معصومین نازل شده است.

آیات بر اساس سوره‌ها تنظیم شده و شماره‌گذاری آیات بر اساس قرآن چاپ سازمان تبلیغات اسلامی بوده و برای

سهولت در دستیابی، قسمتی از آغاز آیه نقل شده است. همچنین آیاتی که در ضمن روایتی مورد استشهاد قرار گرفته‌اند، و یا عین الفاظشان نیامده، فهرست شده است. پس از آیه، نشانی آن با یادکرد جلد، صفحه و شماره حدیث، آمده است. در پایان کتاب، عناوین متعلق به سوره‌ها که در ضمن احادیث آمده، فهرست شده است. در تنظیم نشانی احادیث، کمال دقت به کار گرفته شده است تا کتاب بی‌مورد، قطور نشود. (ص ۱۸). و بدین سان، این مجموعه راهنمایی است با برخورداری از ویژگیهای مهم یک کتاب کلیدی: کم حجم، زودیاب، روشمند و کارآمد.

گفتنی است روایات تفسیری بشدت نیازمند نقد و بررسیهای آگاهانه، در پرتو آگاهیهای رجالی و حدیث‌شناسی هستند. این گونه فهرستها که به سهولت شمار فراوانی از روایات را در اختیار می‌نهند، در این زمینه بسیار سودمند تواند بود.

یادآوری کنم که این مجموعه بخشی از طرح عظیم «معجم احادیث بحار الأنوار» است که به گونه مستقل نشر می‌یابد. دو جلد معجم احادیث بحار الأنوار نیز آخرین مراحل چاپ و نشر را می‌گذراند که امید است به زودی منتشر شود و محققان و متفکران را بهره رساند.

محمدعلی مهدوی راد

### دیوان ابوطالب کلیم همدانی

با مقدمه و تصحیح و تعلیقات محمد قهرمان. (مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹). هشتاد و هشت + ۷۵۱ ص.

ابوطالب کلیم (متوفی ۱۰۶۱ یا ۱۰۶۲ هـ ق) از بزرگترین شاعران سبک مشهور به هندی است که با وجود پیچیده بودن نسبی بعضی اشعارش و اشتغال بعضی دیگر از آن اشعار بر مصطلحات و واژگان هندی، از شهرت و مطلوبیت برخوردار و بعضی ابیاتش حکم مثل سائر پیدا کرده است. دیوان کلیم - چه به صورت کلیات و چه به شکل منتخبات - بارها به چاپ رسیده و نسخه‌های خطی آن هم کم نیست. چاپ حاضر، منقحترین چاپ دیوان کلیم است که با توجه به نسخه قدیمی و با ذکر نسخه بدلای مهم و با مقدمه

و تعلیقات بر مطلبی، به اهتمام کسی که اهلیت دارد، در اختیار خوانندگان قرار می‌گیرد. البته ممکن است کسانی قضاوت مصحح را در مقایسه میان صائب و کلیم نپسندند. (ص پنجاه و شش و هفت). به گمان اینجانب، قضاوت خان آرزو که نقل کرده اند، عادلانه تر است. او می‌گوید انتخاب دیوان صائب خیلی خیلی بیش از کلیم است، اما در غزل‌های هم‌طرح کلیم می‌چربد. و این طبیعی است؛ چرا که صائب وقت و فرصت بیشتری برای غزل ساختن داشته و اگر هر غزلش یک بیت خوب داشته باشد، چند هزار بیت خوب خواهد داشت.

البته این گونه نمره دادن‌ها موجه نیست. و حق شاعرانی چون عرفی، نظری، فیض، طالب، بیدل و حتی قدسی، سلیم، ظهوری، غالب، غنی، ناصر علی، شفائی... را نباید نادیده انگاشت. دیگر اینکه قضیه انتخاب تک بیت کاملاً فضای کلی دیوان یک شاعر را با ابعاد گونه گون فکر و هنر او نشان نمی‌دهد. هر چند بعضی شعرای سبک مشهور به هندی روی تک بیت خیلی حساسیت و تأکید داشته‌اند؛ اما ما باید با دید خودمان به موضوع نگاه کنیم. (در این مورد رجوع کنید به مغانه «ابوطالب کلیم شاعر حکیم و طنزآور»، نوشته علیرضا نکاوتی قراگزلو، کیهان فرهنگی، خرداد ۱۳۶۵).

به هر حال کلیم شعر دلنشینی دارد. یا زبانی غالباً ساده و دور از ابتدال، با ایجازی که گاه صورت تعریف و ضرب‌المثل پیدا کرده و به لحن محاوره نزدیک شده است. و به همین لحاظ، خالی از عیوب فصاحتی هم نیست. اما در کل، شعری است پخته و سنجیده و آنچه در آن درخشش بیشتری دارد، جنبه فکری نیرومند و قدرت بر تعبیر آن است. در شعر کلیم ته مایه‌ای از تهکم و تمسخر (که شخص شاعر را هم در برمی‌گیرد) محسوس است با بدبینی عمیق یا بگویند واقع‌بینی بیرحمانه و بی‌تعارفی که یک حکیم نسبت به امور فردی و اجتماعی و اخلاقی دارد. شاعر برای احتراز از عواقب رک‌گوئی نوعی صنعت اسلوب الحکیم یا تجاهل العارف به کار برده است. (رجوع شود به مقاله پیش گفته). و به دیگران هم سفارش کرده که مواظب باشند:

خنده بدمستی است در ایام ماهشمار باش  
محتسب بر می‌کند اینجا زهان بسته را

اهمیت کلیم در اصالت تجربه و مشاهده مستقیم توانایی انتقاد و صداقت بیان اوست که نمی‌خواهد خودش دیگران را گول بزند و این خصوصیتی است که در کم شاعری هست.

اما در هنر شاعری او با آفریدن مضامین چنانست تذکره نویسان نقاد، او را «خلاف المعانی ثانی و استی قیامت کار» نامیده‌اند. این همه برای آن است که بگوییم زحماتی که مصحح و ناشر برای عرضه این دیوان کشیده‌اند، بیجا نیست.

در تعلیقات نکته‌ای به نظر آمد: «مستی گذاره»، ظاهر آن معنای مستی موقت باشد و همان شعر شاهد (ص ۵۳۷) مؤید این معنی است:

آن نشوه‌ای که بخشد بگذشتن از دو عالم

در کیش میکشان چیست یک مستی گذاره

البته کلمه نشوه (به معنای حالت ایجاد شده از مصرف مسکرات و مخدرات به شکل نشأه (ص ۶۹۸، ۶۵۴، ۵۳۷) درست نیست؛ زیرا نشأه به معنای پیدایش و آفرینش و هستی و عالم است. توفیق بیشتر مصحح و ناشر را آرزومندیم.

علیرضا نکاوتی قراگزلو

### در جستجوی قائم «عج»

سید مجید نور

طباطبایی. (قم)

انتشارات آستان

مقدس صاحب الزمان،

۱۳۷۰. ۵۰۳ ص،

وژیری.

کتابشناسی که در

فرهنگ اسلامی پیشینه

بسیار کهنی دارد

اکنون یکی از ابعاد

شایان توجه مؤلفان و


پژوهشگران را شکل

«ماست هزار و چهارصد و یکمین سالگرد عبد ولایت (سید مجید نور)»

در جستجوی قائم (عج)

۱۳۵۲  
کتاب  
پیرایه احوال  
حضرت بقیة الله الاقصم آدم زمان (عج)

تألیف  
حجة الاسلام والاسلامین سید سعید بیروف هاشمی



می‌دهد. تلاشی میمون و سودمند در سالهای اخیر در جهت کتابشناسی موضوعی آغاز شده است و اکنون شاهد چندین اثر سودمند و کارآمد در این زمینه هستیم. آنچه اکنون مورد گفتگوست، کتابشناسی بقیة الله الأعظم - ارواحنا فداه - است با معرفی ۱۸۵۰ کتاب درباره زندگی، غیبت و ظهور آن بزرگوار. در این زمینه پیشتر آثار ذیل منتشر شده بود: کتابنامه امام زمان (ع)، با معرفی ۲۵۵ کتاب؛ مهدی منتظر را بشناسید از مهدی فقیه ایمانی که در یکی از فصول آن حدود چهارصد کتاب یاد شده است (ص ۱۴-۶۰)؛ دلیل المؤلفات حول الإمام المهدی علیه السلام از ناجی النجار؛ مجله الأعضاء، سال پنجم، شماره اول و دوم که در بین دو مقاله، حدود پنجاه کتاب معرفی شده است.

در جستجوی قائم (عج)، در برگزیده تمام آثاری است که مستقلاً و یا ضمناً درباره حضرت مهدی - ع - بحث کرده‌اند. کتاب حاضر در شش بخش سامان یافته است: بخش اول، کتابهایی که یکسره به مسائل مربوط به امام زمان - ع - پرداخته‌اند. بخش دوم، کتابهایی که قسمتی از آنها مربوط به این موضوع است. بخش سوم، کتابهای متفرقه‌ای که به گونه جنبی به مسأله امام زمان - ع - پرداخته‌اند. در این بخش، آثار منکران، مخالفان و صاحبان آراء مختلف نیز فهرست شده است. در بخش چهارم از جزوه‌ها و رساله‌های مربوط به موضوع سخن رفته و در بخش پنجم با عنوان مهدی عج در آینه شعر و ادبیات، مجموعه‌های ادبی و اشعار سروده شده درباره امام - ع - فهرست شده است. بخش ششم تکمله و استدراک بخشهای پیشین است.

مؤلف محترم در ضمن مقدمه‌ای به تفصیل از شیوه تدوین این کتاب سخن گفته است. این کتاب، بر روی هم، اثری است سودمند. فهرستهای فنی پایان کتاب هم بجا و کارگشاست. اکنون نکاتی را برای بهتر و کاملتر و منقحتر شدن این اثر ارجمند، یادآوری می‌کنم.

۱. در بخش دوم، کتابهایی فهرست شده است که بخشی از آن مربوط به امام زمان - ع - است؛ اما مشخص نشده که کدام بخش کتاب مربوط به این موضوع است. مثلاً مقاتل الطالبین، نهج البلاغه، خصال صدوق، شناخت اسلام

و... مثلاً وسائل الشیعه در این بخش آمده (ص ۱۴۹) بدون هیچ اشاره به موضع بحث. این نوع ارائه منبع چه سودی دارد؟ یا وفيات الأعیان و...

۲. ناهمگونی در یادکرد کتابها نیز از اشکالات کتاب است. در برخی، تنها به موضوع اشاره شده و در برخی، عناوین فصول به تفصیل آمده و در برخی به اجمال.

۳. در بخش سوم، افزون بر اشکالی که در بخش دوم یاد کردیم، گاه به جای نشان دادن موضع دقیق این بحث فهرست مفصل مطالب کتاب آمده است که قطعاً بی‌مورد است. ص ۲۵۰، شماره ۱۵۱۱ و... در همین بخش، معلوم نیست هدایة العارفین اسماعیل پاشا چرا یاد شده است؟ (ص ۲۵۰). مؤلف محترم به دلایلی لازم دیده‌اند که یادداشتهایی درباره برخی کتابها به این فهرست بیفزایند. در لزوم و عدم لزوم این یادداشتهای چیزی نمی‌گویم، اما یادآوری می‌کنم که برخی از آنها هیچ ربطی به موضوع نداشته و بکلی زاید است. مانند یادداشت ۷۴۲ با پاورقی آن. و برخی با داوریهایی سطحی است؛ مانند یادداشت ۱۵۸ و ۶۴۴ و... با این همه بسیاری از این یادداشتهای سودمند است و خواندنی.

یادآوری کنم که هوشمندی مؤلف درباره «جزیره خضراء»، ستودنی است. بی‌پایگی این ماجرا با توجه به محتوای آن، روشن است. (ص ۴۰۲). در این باب، سخن خواهیم گفت. تلاش گسترده و سختکوشی مؤلف را می‌ستاییم و برایش آرزوی توفیق داریم.

محمدعلی مهدوی راد

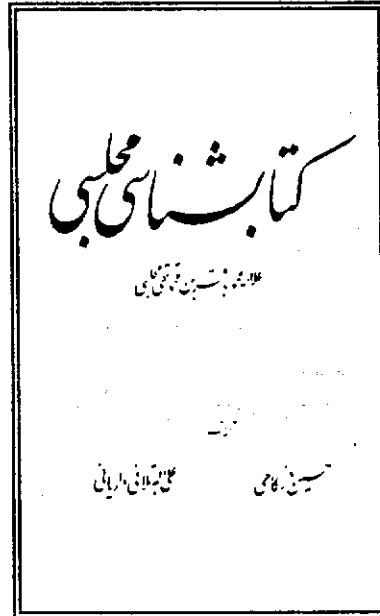
### کتابشناسی مجلسی

حسین درگاهی. علی اکبر تلافی داریانی. (تهران، بنیاد فرهنگی امام رضا - ع - ۱۳۷۰). ۳۷۰ص، وزیری.

کارنامه علمی، تحقیقی و تألیفی علامه محمدباقر مجلسی، بسیار پربرگ است و پرپار. ابعاد پژوهشها و نگارشهای آن بزرگوار، تمام گوشه و کنار موضوعات اسلامی را در نور دیده و بیان و بنان آن پژوهنده نستوه، در تمام زمینه‌های فرهنگ اسلامی پرتو افشانی کرده است.



مجموعه عظیم بحار الأنوار و شرحهای گرانقدر وی بر متون حدیثی، مانند ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار و مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول و دهها کتاب کلامی، اخلاقی و روایی دیگر، نشان از همت بلند و تلاش عظیم آن بزرگمرد است در حراست از



فرهنگ تشیع و حفاظت از میراث آل علی (ع). در ضمن شرح حالهای کوتاه و بلندی که تاکنون درباره علامه مجلسی نگاشته شده، به اجتناب و تعدیل از آثار و نگاشته هایش نیز سخن رفته است؛ اما کتابشناسی فنی آثار آن بزرگوار، برای اولین بار است که به همت جناب درگاهی و همکارش جناب تلافی داریانی، فراهم آمده که تلاشی است ستودنی و سودمند.

مؤلفان در آغاز کتاب، دو اثر ارزنده و کارآمد را درباره شرح حال و آثار علامه مجلسی، تصحیح و تحقیق و عرضه کرده اند: (۱) تذکره الأنساب، نگاشته حیدرعلی بن عزیزالله مجلسی، از عالمان شیعی و از احفاد محمدتقی مجلسی که روزگاری در اصفهان ملجأ خاص و عام بوده است. (۲) فهرست تألیفات علامه مجلسی، به خامه امیر محمدحسین بن محمدصالح حسین خاتون آبادی.

پس از آن دو رساله، مؤلفان به تفصیل منابع شرح حال علامه مجلسی را با دقت تمام، ثبت و ضبط کرده اند که برای پژوهشگران سودمند است. آنگاه گزارش آثار علامه مجلسی است به ترتیب حروف الفبا و با این ویژگیها:

(۱) نام کتاب با بهره‌وری از تصریح مؤلف در متن کتاب یا در اجازات و یا با مراجعه به مدارک معتبر دیگر ثبت شده است. (۲) برای شناسایی دقیقتر کتاب، آغاز و انجام آن، از

روی نسخه چاپی و یا خطی و یا از فهرستهای نسخه‌های خطی آورده شده است. (۳) تاریخ نگارش کتاب، استناد به منابع معتبر و نیز موضوع آن، بیان شده است. (۴) نسخه‌های چاپی و خطی کتابها و رساله‌ها، در حد امکان استقصا و ارائه شده است و در صورت فزونی تعداد و دشواری ثبت و ضبط و ناسودمندی آن، به فهرستها ارجاع داده شده است. (۵) گزینشها، ویرایشها و شرحهای کتابها نیز در حد توان و اطلاع یاد شده است. (۶) منابع پژوهش، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های ایران است. به منابع خارجی و کتابخانه‌های شخصی مراجعه نشده است. (۷) برخی از آثار علامه مجلسی، نامهای گونه‌گونی یافته است. مؤلفان سعی کرده‌اند این گونه آثار را پس از سنجش و شناسایی، به نام واحدی ارجاع دهند. (۸) ذیل هر کتاب، منابع یادکرد آن در کتابشناسیها و شرح حال نگاریها آمده و آنگاه به توضیح و شناسایی آن پرداخته شده است. در پایان با عنوان «آثار پراکنده و منسوب»، به برخی از آثار منسوب به علامه مجلسی اشاره شده است.

کارمؤلفان دقیق است و ستودنی و محققان از این مجموعه فراوان بهره خواهند برد. یادآوری کنم که در ضمن فهرست آثار کتابهایی پس از معرفی یادآوری شده که آن کتابها به دیگران منسوب است و یا نظر قطعی درباره انتساب و عدم آن نسبت به علامه نیامده است. از این روی بهتر بود این گونه آثار در فصلی مستقل به عنوان آثار منسوب، با اندکی توضیح و تفصیل یاد می‌شد. مانند اختیارات ص ۷۴، تعبیر خواب ص ۱۹۵، جواهرالعقول ص ۲۷ و... به هر حال، کتاب حاضر بر روی هم اثری است سودمند و خواندنی و رنج و تلاش پدیدآورندگان آن مشکور است.

محمدعلی مهدوی راد